کاندیدای اکادمیسین سیستانی ۱۶/ ۸/ ۲۰۰۹

نظام فدرالی دراوضاع کنونی،بمعنی تجزیهٔ کشوراست !

بدون شبهه نظام فدرالی برای جوامعی که به بلوغ سیاسی رسیده اند و از سطح بلند شعور اجتماعی برخورداراند، نظامی دموکراتیک و دلخواه است ، مانند جوامع امریکا ، آلمان و سویس ، اما افغانستان ، نه امریکاست و نه آلمان و نه سویس . در کدام یک از این کشورها، ۴۴ نفرخود را براب پست ریاست جمهوری کاندید کرده اند؟ درکدام یک از این کشورها رئیس جمهور آن دویاچندین معاون(حامدکرزی در دوره حکومت عبوری ۷ معاون داشت واکنون دومعاون) دارد که نه تنها متهم به جنایات جنگی باشند، بلکه فقط از روی انتساب خود به یکی ازاقوام کشور به چنین مقامی قرار گرفته باشند؟ در کدامیک از این کشورها رئیس جمهور جرئت یا اجازه ندارد، معاون یا وزیر نامطلوب و بی کفایت خود را از کرسی کنار بزند و بجای آن شخص باکفایت دیگری را نصب نماید؟ در کدامیک از این کشورها ، یک فرمانده جنگجوی هم والی وهم جنرال نظامی است واز خود اردوی شخصی داردکه به اتکای آن، حاضر نیست از عواید گمرکی و نقض حقوق اقلیت های قومی زیر سلطه خود به دولت مرکزی جواب بدهد؟ (تا سال ۲۰۰۴ والیان ولایات مزارشریف وفاریاب وهرات وقندهار هم والی وهم قوماندان نظامی بودند) این نابساماني ها و بی نظمی ها فقط درکشورجنگ زده ما افغانستان و در میان مردم بی سواد ونا آگاه از حقوق خود و شهروندان خود که فقر و مرض و تفنگسالاری در آن بیداد میکند ، سراغ میشود و بس.

پس درکشور و جامعه ای که بجز خود باهیچ کشور و جامعهٔ دیگری شباهت ندارد، پیاده کردن نسخه نظام های بسیار تکامل یافته و پیشرفته، یک کار ناشیانه و ماجراجویانه است وهدف آن عمداً پرت کردن افغانستان به دره سقوط وتجزیه و جنگ های داخلی است. ادعای برقراری نظام فدرالی در افغانستان درشرایط موجود پیش از وقت است و تلاش درجهت تحقق آن بر مشکلات عدیده این کشور جنگ زده می افزاید و بجای رفاهیت ، مصیبت ببار می آورد، و حتی در شرایط پادرمیانی جامعه جهانی، آن را دچار تجزیه وبه سرنوشت یوگوسلاوی گرفتارخواهد کرد.

هیچ تضمینی وجود ندارد که با پیاده کردن نظام فدرالی ، آتش مناقشات قومی و جنگ های قدرت طلبی و لسانی و مذهبی ، یک بار دیگر در میان مردم افغانستان شعله ور نمیشود و اوضاع را بدتر از وضع موجود نمی کند؟ هیچیک از اقوام مسکون در افغانستان در صورت تحقق فدرالیزم برنده نخواهد بود، و در بهترین حالت آن اقوام ترک زبان که در شمال کشور در مجاورت هم قرار دارند و از لحاظ منابع طبیعی غنی تراند، اگر ازمداخله ازبکستان درامان بمانندباز هم احتمال نقض حقوق اقلیت های قومی تاجیک، پشتون و هزاره مسکون در آن ایالت مورد تخطی و اجحاف قرار خواهدگرفت.

با توجه به ساخت و بافت قومی و زیست بومی جامعه ما، فدرالیزم به معنی تقسیم رسمی کشوراز روی قوم و لسان وکشیدن هویت های کاذب ملی است . فدرالیزم به معنی رسمیت دادن و تعمیم بخشیدن به تبعیضات نژادی ، لسانی و فرهنگی میان مردم بر حسب پیوند های قومی است. فدرالیزم به معنی رهبرتراشیدن از میان مرتجع ترین احزاب وخون ریزترین افراد برای مردم مناطق مختلف کشوراست. فدرالیزم بمعنی به عقب راندن نیروهای روشنفکرترقی پسند است که برای استقرار یک نظام سکولار و غیر مذهبی و غیر قومی، مبتنی بر برابری و برادری مردم کشور، تلاش میکند. هرنوع تلاش برای تعریف حاکمیت ملی بر حسب قومیت ، به بهانه حل مسئله ملی ، تلاش خاینانه است که به یک فاجعه ملی منجر می شود و بنا گزیر کل مردم را به کام خود میشکد. ابعاد فاجعه ایکه تحقق این افق ارتجاعی قوم پرستانه میتواند در کشور ما ایجاد کند، چنان عظیم خواهد بود که رویدادهای یوگوسلاویا در قیاس با آن رنگ می بازد . و در یک کلام طرح فدرالیزم، زمینه ساز یک کشمکش خونبار و طولانی در سطح کل کشور است ، که طراحان اصلی پشت پرده از آن سود خواهند برد، نه مردم افغانستان.

سوال عمده این است که چرا شعار فدرالیسم در کشورهای همسایه ما که دارای ثبات سیاسی قوی و مردم آنها از سطح بلندتر شعور اجتماعی برخورداراند، مطرح نمی شود، ولی در افغانستان نا امن وبی ثبات قبل از تحکیم پایه های دولت مرکزی ، مطرح میگردد؟ علت این است که روسها از مدتها قبل برخی ازگروه های هوادار خود را تشویق به طرح فدرالیزم در افغانستان (به بهانه حل مسئله ملی ، که در خود آن کشور ناکام گردیده بود) نمودند و از آن پس افرادی منسوب به جریانهای سیاسی ، نغمه فدرالیسم را سردادند و درعین حال پشتونها را به عنوان قوم ستمگردرحق سایر اقوام نشانه رفتند. تا آنجا که پس ازسقوط دولت نجیب الله در ۱۹۹۲، متاسفانه در ولایات فاریاب و جوزجان وبلخ

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید maqalat@afghan-german.de
نوت: مسئولیت املائی و انشائی نوشته ها به دوش خود نویسنده میباشد، خواهشمندیم مطلب خود را بعد ازغور کامل بما ارسال بدارید.

وکندز و بغلان وسمنگان، گروه های افراطی مسلط در شمال، بر محلات مسکونی پشتونها، حملات مسلحانه کردند و خانه و کاشانه شان را غارت نمودند و به آتش کشیدند.
بدبختانه پس از سقوط طالبان، مجدداً اقوام پشتون درمناطق تحت سلطه ایتلاف شمال بیشتر ازگذشته مورد تبعیض وآزار نیروهای مسلح قرار گرفتند، تا آنجایی که ده هاهزار خانواده پشتون از مسکن و ماوای خود در ولایات شمال و شمال غرب با از دست دادن مایملک خود بزور مجبور به کوچیدن به مناطق جنوب هندوکش در ولایات قندهار و جلال آباد و پیشاور شده اند وتا هنوز در کمپ های آوارگان افغان واقع در سپین بولدک و جلال آباد در شرایط بسیار بدی زندگی میکنند. با آنکه سازمان های نظارت برحقوق بشر بارها تبعیض علیه اقلیت های قومی را در مناطق شمال وشمال غرب کشور محکوم کرده اند، اما وضع در آن مناطق تا هنوزبهبودی نیافته است.
به نظر میرسید که برخوردهای جناحی درولایات شمال وشمال غرب ، عمداً بمنظور تصفیه های قومی به راه انداخته میشد و درپایان هرجنگ ، بر محلات و روستاهای پشتون نشین یورش برده میشد وبا غارت دارائی و دست درازی برناموس مردم محل ، آنان را وادار به فرار از محلات مسکونی شان میکردند.چنانکه لخضر ابراهیمی نماینده ویژه سازمان ملل در امورافغانستان، روز ششم می ۲۰۰۳ در شورای امنیت با نگرانی هشدار داد که در گیریهای قومی ازیکطرف و حملات بقایای طالبان ونیروهای گلبدین حکمتیار بر مواضع نیروهای ایتلاف بین المللی و قوای دولتی و همچنین اهداف غیر نظامی از طرف دیگر، بر وخامت اوضاع امنیتی افغانستان افزوده و بخش بزرگی از کشور را بی ثبات ساخته است . وی اعمال خشونت و تبعیض علیه اقلیت های قومی درشمال غرب را محکوم نمود و ازتشدید نا امنی و اعدام های بدون محاکمه، تجاوز برحقوق اقلیتهای قومی، تجاوز جنسی و تداوم ارعاب روزنامه نگاران در افغانستان، ابراز نگرانی کرد و از شورای امنیت خواست تا برای تطبیق برنامه های بازسازی و اصلاحات در مسایل امنیتی توجه بیشتر نماید . (رادیو بی بی سی، ۷ می ۲۰۰۳)
همزمان با تسوید قانون اساسی جدید افغانستان، شیپورنظام فدرالی از سوی برخی از عناصر تفرقه انداز وتجزیه طلب مطرح گردید، مگر نه تنها با عکس العمل نیروهای ملی گرا مواجه شدند، بلکه لویه جرگه تصوب قانون اساسی افغانستان پس از بحث وفحص روی آن، نظام ریاستی را برای تامین ثبات و بهبود اوضاع افغانستان تجویز کرد و بردهن یاوه گویان فدرالیزم مشتی محکمی کوبید. اینک دردور دوم انتخابات ریاست جمهوری در افغانستان، باز شعار فدرالیزم ازسوی برخی از نامزدان شنیده میشود و با این شعارمیخواهند حمایت مردم را برای خود جلب کنند. تا کنون اززبان داکترعبدالله ولطیف پدرام وبشیربیژن نامزدان ریاست جمهوری این شعار شنیده شده است. اینها با آنکه خود از نظام فدرالی، درک درستی ندارند، چنانکه یکی از اینها هنگام مناظره تلویزیونی وقتی باسوال آقای بشردوست مقابل وپرسیده شد: فدرالیزم یعنی چی، یکبار آنرا تعریف کن وبعد ویژه گی های آن رابرای ما برشمار!همه دیدیم که این اقا تا اخیر نتوانست حتی فدرالیزم را تعریف کند، تا چه رسد به مصالح ساختاری آن. اما اینها از آنجا که نا کارائی دولت کرزی رادرباز گذاشتن دستان فاسد مافیای ائتلاف شمال برجان ومال وغصب ملکیتهای خصوصی وعمومی کشور بدرستی تشخیص داده اند، بنابرین با وعده های تغییر دادن نظام ریاستی، به نظام پارلمانی در قانون اساسی و فدرالی ساختن نظام آینده، میخواهند دل یک عده مردم نا آگاه را خوش بسازند، ولی درحقیقت اینها آب در آسیاب دشمن میریزند وبدین بهانه میخواهند کشور را دچار آشفتگی وحکومت های ملوک الطوایفی وسرانجام تجزیه و نابودی کنند.
هدف اساسی این مدعیان فدرالیزم، سپردن سرنوشت مردم ولایات بدست جنگ سالاران مقتدرتنظیمی است. چنانکه دیده میشودتاهمین اکنون برخی از والیان با وجودیکه ازطرف رئیس جمهور تعیین شده اند، از دساتیرمرکز اطاعت ندارند وخود هر طور دل شان خواسته باشد در عزل ونصب کارمندان در پست های دولتی مبادرت میورزند وبا آنکه فریاد مردم همان ولایات از دست ظلم وزورگوئی وغصب دارائی های شخصی و عامه تا آسمان بلند است ، اما کسی از مرکز بداد مردم رسیده نمیتواند، پس وای بحال مردم اگر همین قوماندانان متهم درجرایم جنگی و ضد حقوق بشری، دوباره از طریق فدرالیزم برسرنوشت مردم مسلط شوند، به یقین که تازنده باشند، از این مقام پس نخواهند رفت وهرگاه از مرکزفشاری برآنها وارد شود، بدون تردید مرکز را تهدید به جنگ های قومی وسمتی کرده و با اینکار دوباره زمینه خون ریزیها را فراهم خواهند نمود.همین اکنون والی مزارشریف (جنگ سالارعطا نور) از دستورات مرکز اطاعت نمیکند و چندی قبل مخالفت علنی خود را با تقرر چند افسر پولیس از مرکز اعلام نمود. همچنان فراموش نکرده ایم که اسماعیل خان پس از اشغال هرات و بدست گرفتن سرنوشت مردم آن سمت وامیرخواندن خود بر چندولایت غربی کشور،از مرکز اطاعت نمی کرد وعواید گمرکی را که یگانه منبع درآمد خالص ملی است به مرکز نمی فرستاد وبرای خود اردوی سی هزار نفری تشکیل داده بود ومستقلانه حکومت میکرد و به دستورات مرکز حاضر بگوش کردن نبود وبه همین خاطر پای سفیرامریکا(زلمی خلیل زاد) را بارهابه آن ولایت برای میانجیگری بین او ودولت مرکزی به هرات کشانید.
جنرال دوستم نیزیکی از جنگ سالاران مقتدر سمت شمال در ولایت شبرغان بود که خود دولتکی که داشت ومستقلانه حکومت میکرد و بدون مرضای او یک حبه ودینار به مرکز نمیداد وبرای توسعه قلمرو خودهمواره برخوردهای نظامی میان او قوماندان عطا درولایات شمال جریان داشت تا اینکه چند سال بعد با دادن مقام لوی درستیزی ومشاوریت

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید maqalat@afghan-german.de
نوت: مسئولیت املائی و انشائی نوشته ها به دوش خود نویسنده میباشد، خواهشمندیم مطلب خود را بعد ازغور کامل بما ارسال بدارید.

ریاست جمهوری او را از شمال دور ساختند و به مرکزآوردند. البته مثال چنین تمردوبی اطاعتی وفراراز مرکزرا تا کنون درمیان والیان پشتون تبار درسمت جنوب وجنوب شرق کشور مشاهد نکرده ایم.
لطیف پدرام که تا هنوز در محاسبات نظرسنجی زیر صفرصفر قراردارد، روز ۱۵ اگست درمصاحبه با گزارشگر بی بی سی گفته است، که بعد از استقرار نظام فدرالی ولایات جنوب کشورا به طالبان میدهد که خود هرطور دلشان بخواهد با مردم زیرسلطه خود معامله کنند ولی کاری بکار ولایات شمال نداشته باشند. ضرب المثل معروفی است که میگویند: "ابلهی را به ده راه نمیدادند، میگفت مرکبش را به سرای ملک ببندند!" جناب شما که بارها اعلام کرده ئی که: من افغان نه، بلکه از نام "افغانستان" نفرت دارم، وبرمبنای همین تنفر از افغانها سال گذشته ، شاه امان الله ،محصل استرداد استقلال افغانستان که یک شخصیت محبوب ومورد احترام مردم افغانستان را، موردتوهین وتحقیرقراردادید واین عمل شما باعث واکنش مردم درسراسر کشور گردید و سرانجام مجبور به انکار از گفته های خود شدید. با این طرز تفکر اکنون چگونه میخواهید رئیس جمهور مردمی باشی که اکثریت آنها افغان وصاحبان اصیل این سرزمین استند؟ باید باور داشته باشید که شما دراین کشور هیچگونه اعتبار ومحبوبیتی برای کسب قدرت ندارید، مگر آنکه نسل افغان را ازاین سرزمین نابود بکنید و این برای شما وحامیان شما خواب است وخیال است ومحال. شما آنقدربیچاره وناتوان هستید که حتی معاون شما بشیربیژن در حزب کگنره ملی شما را به حیث رئیس جمهور قبول ندارد ودرضدیت با شماخود را برای ریاست جمهوری کاندید کرده است. همه میدانند که شما با تحریک وحمایت بیگانه گان به میدان انتخابات پرتاب شده اید، درحالی که شما دراین ملک هیچ کاره ئی استید وحامیان خارجی شما هم باید این را بدانند که شما بدرد آنها نمیخورید.وعده های شما برای برسمیت شناختن خط دیورند، درنزدملت افغانستان به اندازه پشیزی اهمیت ندارد، این یک مسئله ملی است وباید احاد این ملت در باره آن تصمیم بگیرند.
نکته قابل توجه ومهم اینست که مسئله فدرالیزم چرا از طرف برخی قدرت طلبان غیرپشتون مطرح میشود که چانس کمتری برای برنده شدن درانتخابات دارند، ولی از جانب کاندیدان پشتون تبار، مطرح نمیگردد؟ به نظرمن ، دلیل اساسی این امر اینست که کاندیدانیکه تمامیت ارضی افغانستان را میخواهند، ولو که برنده هم نشوند، از طرح فدرالیزم حمایت نمکنند،مگربرخی از کاندیدان تبارگرای غیرپشتون ، قدرت را حتی به بهای تجزیه افغانستان میخواهند.به همین دلیل است که چندی قبل سخنگوی داکترعبدالله، کمیسیون انتخابات وناظرین بین المللی وکرزی را تهدید کرد که اگر وی برنده نشود، دست به اشوب خواهد زد.این مشی عبدالله عبدالله از اندیشه های آب میخوردکه قدرت را به قیمت تجزیه کشور میخواهد.شاید گفته شود که داکترعبدالله خود پشتون است،نه خیر،اینک بالاخره به اثبات رسید که عبدالله عبدالله پشتون نیست ولی برای فریب اذهان قوم پشتون هویت قومی اش را تغییرداده وخود را به قوم پشتون بسته است. برای دریافت این حقیقت رجوع کنید به پورتال افغان- جرمن به مقاله هموطن ما " سرور میرنی " که همین دیروز زیرعنوان "عبدالله عبدالله پشتون نه بلکه افغان دی" به نشر رسیده است.

. پایان ۱۶/ ۸/ ۲۰۰۹

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید maqalat@afghan-german.de
نوت: مسئولیت املائی و انشائی نوشته ها به دوش خود نویسنده میباشد، خواهشمندیم مطلب خود را بعد ازغور کامل بما ارسال بدارید.